
Understanding the physical-spatial components of place in the production of social capital in local communities: A data-based theory approach (Case study: Rodaki neighborhood, region 10 of Tehran Municipality)

Aylin Shidaei¹, Mohsen Esmaili^{2*}

¹. PhD in Urbanism, Faculty of Arts, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

². PhD in Urban Planning, Faculty of Urban Planning, School of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

Received Date: 22 June 2023 **Accepted Date:** 21 August 2023

Abstract

Background and Aim: The importance of social capital in recent decades has led the theoretical literature of urban planning to research the physical factors affecting social capital in urban environments. However, relatively few studies have been carried out concerning this concept in Iran`s urban planning field. Considering the neglect of this concept in the theoretical literature in the past decades, it seems necessary to pay attention to and redefine it in current urban planning studies. Discovering and understanding the factors affecting social capital can lead to the introduction of urban planning tools that will help create and promote social capital in urban neighborhoods of Iran in today's conditions.

Methods: In order to answer the research questions in the studied area, the qualitative method of grounded theory has been used. This method focuses on understanding reality within the research situation and building a situated theory. Based on research method and in response to the "what" question of the research, it has tried to discover the physical components of the studied location that impact the processes of social capital production in local communities. To answer the "how" question of the research, the relationship between the physical components and the constructive components of social capital in the context of the study has been interpreted.

Findings and Conclusion: The findings show that the existence of public spaces, major activity centers, streets, and special pedestrian spaces and paying attention to the characteristics and role of paths can be considered the most effective physical tools for promoting social capital in the Rudaki neighborhood. Finally, the main result of this research confirms that the creation and promotion of social capital are closely related to the improvement of the physical structure of the neighborhoods in the direction of creating a platform for providing physical and mental needs and facilitating the social actions of the residents.

Keywords: Social capital, physical-spatial structure, grounded theory method, urban neighborhoods.

* Corresponding Author: Moesmaeili@ut.ac.ir

Cite this article: Shidaei ,A., Esmaili, M. (2023). Understanding the physical-spatial components of place in the production of social capital in local communities: A data-based theory approach (Case study: Rodaki neighborhood, region 10 of Tehran Municipality). *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 3(4),77-92.

فهم مؤلفه های فضایی-کالبدی مکان در تولید سرمایه اجتماعی در جوامع محلی: رهیافت نظریه داده‌بنیاد (مورد مطالعه: محله رودکی، منطقه ۱۰ شهرداری تهران)

آیلین شیدایی^۱، محسن اسماعیلی^{۲*}

۱. دکتری شهرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲. دکتری شهرسازی، دانشکده شهرسازی، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

چکیده

زمینه و هدف: اهمیت موضوع سرمایه اجتماعی در دهه‌های اخیر، ادبیات نظری شهرسازی را به تحقیق پیرامون عوامل مکانی موثر بر سرمایه اجتماعی در محیط‌های شهری واداشته است. با این حال پژوهش‌های نسبتاً اندکی در رابطه با این مفهوم در عرصه شهرسازی کشور انجام شده است. با توجه به غفلت از این مفهوم در ادبیات پژوهشی کشور، توجه و بازتعریف آن در پژوهش‌های شهرسازی جاری ضروری به نظر می‌رسد. درک عوامل موثر بر سرمایه اجتماعی در محلات شهری می‌تواند منجر به معرفی ابزارهایی در شهرسازی شود که به پیدایش و ارتقای سرمایه اجتماعی در محلات شهری کشور در شرایط امروزی کمک نماید.

روش بررسی: به منظور پاسخ به سوالات تحقیق، از روش کیفی نظریه داده بنیاد (گراندد تئوری) استفاده شده است. براساس روش تحقیق و در پاسخ به پرسش «چیستی» پژوهش، به کشف مولفه‌های کالبدی مکان مورد مطالعه که بر فرآیندهای تولید سرمایه اجتماعی در جوامع محلی تاثیر گذار هستند اقدام نموده‌ایم؛ و در پاسخ به پرسش «چگونگی» تحقیق، رابطه‌ی مولفه‌های کالبدی با مولفه‌های سازنده‌ی سرمایه اجتماعی در بستر مطالعه را مورد فهم و تفسیر قرار داده‌ایم.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که وجود فضاهای عمومی، مراکز عمده فعالیت، محورها و فضاهای مخصوص پیاده و توجه به ویژگی و نقش معابر را می‌توان به عنوان تاثیرگذارترین ابزارهای کالبدی ارتقا دهنده سرمایه اجتماعی در محله رودکی برشمرد. در نهایت نتیجه اصلی این پژوهش موید آن است که ارتقای سرمایه اجتماعی با بهبود ساختار کالبدی محلات در راستای بسترسازی تامین تیاذهای فیزیکی، روحی و تسهیل کننده‌ی کنش‌های اجتماعی ساکنان ارتباط تنگاتنگی دارد.

کلید واژه‌ها: سرمایه اجتماعی، ساختار فضایی-کالبدی، روش نظریه داده بنیاد (گراندد تئوری)، محلات شهری.

* نویسنده مسئول: Moesmaeili@ut.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

در ایران نیز به نظر می‌رسد که اگرچه کالبد محله‌ها در گذشته، ضمن حفظ ارزش‌های محیط اجتماعی خود مانند احساس هویت و تعلق، پا سخگوی نیازهای ساکنان خود نیز بودند اما با گذر زمان، ایجاد گسست در سازمان فضایی محله‌ها و به تبع آن از میان رفتن اعتبار و هویت کالبدی، در نهایت زوال سازمان اجتماعی موجود در محله‌های شهری را به دنبال داشته است.

پیشینه نظری سرمایه اجتماعی در مطالعات شهری (ر.ک. به (Ostom(1997), Arefi(1999), wallis(1998), Bothwell and Gindroz(1997) نشان می‌دهد بهبود شرایط کالبدی محلات شهری موجب ارتقای همبستگی اجتماعی شده و در واقع سرمایه کالبدی در حال افزایش، به طور ضمنی ارتقای سرمایه اجتماعی را موجب می‌گردد. با این نگرش، می‌توان ارتقای ویژگی‌های مکانی را به عنوان ابزاری برای ارتقای سرمایه اجتماعی تلقی کرد.

پژوهش حاضر که از نظر هستی‌شناسی بر موضع پارادایم تفسیرگرایی اجتماعی تکیه دارد، درصدد کشف مولفه‌ها و فرآیندهای تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی در مقیاس محلی و فهم مؤلفه‌های مکانی موثر در تولید و بازتولید سرمایه اجتماعی در جوامع محلی با استفاده از رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد است.

شهرهای ایران در دهه‌های اخیر، چند مرحله از تحول کالبدی- فضایی را پشت سر گذاشته‌اند و در این فرایند تغییر، مسائل و مشکلات جوامع شهری هرروز ابعاد تازه‌ای به خود می‌گیرد. در چنین شرایطی، شهرنشینی با پیامدهای بسیاری از جمله گسترش آسیب‌ها و ناهمگونی فراینده اجتماعی و کمک به گسترش انواع بحران‌های اجتماعی و فرهنگی همراه بوده است. از سوی دیگر نتیجه چنین شرایطی، ناپایداری روابط اجتماعی و کاهش سرمایه‌های اجتماعی بوده است. تجربه ایران در بحث مداخله در محلات، عموماً کالبدی و فاقد دید همه‌جانبه‌نگر بوده است. این مداخله بدون اندیشه و برنامه‌ریزی در راستای توجه صرف به کالبد نه تنها موجب نابودی یا کاهش سرمایه‌های کالبدی این محلات شده بلکه تنزل و از میان رفتن سرمایه‌های اجتماعی را نیز به دنبال داشته است.

موضوع سرمایه اجتماعی، با رویکردی کمی و قابل اندازه‌گیری نسبت به مسائل اجتماعی و روابط درون جامعه، در مباحث برنامه‌ریزی، و از جمله برنامه‌ریزی شهری، وارد شده است. بوردیو موقعیت‌ها و روابطی را که در درون گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، امکان دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی را برای افراد افزایش می‌دهد سرمایه اجتماعی می‌داند. از نظر بوردیو سرمایه اجتماعی دو مؤلفه دارد: اول، منبعی است که ارتباط با آن از طریق عضویت در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی امکان پذیر می‌شود؛ و دوم، حجم سرمایه اجتماعی که به تملک یک کارگزار انسانی درمی‌آید به اندازه‌ای از شبکه ارتباطاتی است که او می‌تواند بسیج کند.

در مقیاس محله‌ای، سرمایه اجتماعی شامل منابعی در اجتماعات محله‌ای است که از طریق میزان بالایی از اعتماد، عمل و کنش متقابل، هنجارهای مشترک، تعهدات و التزامات و تعلقات مشترک، شبکه‌های رسمی و غیر رسمی، و کانال‌های مؤثر اطلاعاتی پدید می‌آید. از این سرمایه ممکن است افراد و گروه‌ها، برای آسان نمودن فعالیت‌ها به منظور منفعت رساندن به افراد و گروه‌ها و اجتماع، استفاده کنند (براتی، ۱۳۹۰: ۱۲). براساس پژوهش‌های صورت گرفته، سرمایه اجتماعی را می‌توان یکی از مشخصه‌های توسعه محلی تلقی کرد که در عصر کنونی با زوال بسترهای کالبدی- فضایی روابط اجتماعی در محلات شهری به شکل چشم‌گیری کاهش یافته است. ازهم‌گسیختگی روابط اجتماعی در شهرها، کاهش همکاری و

¹ Bourdieu

مشارکت اجتماعی، ضعف در حمایت‌های اجتماعی جوامع محلی در برنامه‌های توسعه شهری، نقصان در امنیت اجتماعی و به طور خلاصه امتناع جوامع از روابط کنشگرانه اجتماعی در بسیاری از شهرهای کشور از نشانه‌های زوال سرمایه اجتماعی و تشدید مشکلات و مسائل اجتماعی به شمار می‌روند.

اگرچه زوال سرمایه اجتماعی در نظام شهری ریشه در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جوامع و شرایط تحولات جهانی معاصر دارد، با این وجود بسیاری از نظریه پردازان مانند جیکوبز، پاتنام، کولمن و بوردیو، عوامل و مؤلفه های محیطی را نیز در تنزل سرمایه اجتماعی دخیل می‌دانند و طبیعتاً بررسی ارتباط میان سرمایه اجتماعی و ابعاد کالبدی-فضایی شهرها در حوزه پژوهش‌های برنامه‌ریزی شهری قابل طرح و بررسی است. از این رو این پژوهش در حوزه برنامه‌ریزی شهری می‌کوشد تا به صورت متمرکز، نقش عوامل کالبدی-فضایی در تولید سرمایه اجتماعی را در جوامع محلی مورد بررسی تطبیقی قرار دهد و بدلیل محدودیت‌های متداول تحقیق و پرهیز از گستردگی موضوع، از سایر مؤلفه های اجتماعی-فرهنگی و شرایط جهانی اجتماعی-فرهنگی معاصر در این میان صرف‌نظر خواهد کرد.

توسعه سرمایه اجتماعی مستلزم ظرفیت‌سازی و توانمندسازی در اجتماعات محلی است (شریفیان ثانی، ۱۳۸۳) و در این میان مؤلفه های کالبدی-فضایی محلات مانند فضاهای عمومی، تسهیلات همگانی، فعالیت‌های اجتماعی-مدنی و غیره به مثابه عواملی تلقی می‌شوند که در ظرفیت‌سازی اجتماعی و بهبود سرمایه اجتماعی در محیط‌های شهری نقش موثری ایفا می‌کنند. بنابراین تمرکز این پژوهش بر حسب اقتضاء قلمروی پژوهشی برنامه‌ریزی شهری، متمرکز بر نقش عوامل محتوایی (مکانی) بر فرآیندهای سازنده سرمایه اجتماعی (مشارکت، تعاملات و روابط اجتماعی) در محلات شهری است.

تجدید اهمیت سرمایه اجتماعی، ذهن شهرسازان را به یافتن راه‌هایی مشغول کرده که باعث ارتقاء یا تولید سرمایه اجتماعی شود. این نکته به خصوص از این نظر قابل درک است که تولید سرمایه اجتماعی دشوارتر از افزایش سرمایه کالبدی است. با وجود این، پیوند میان سرمایه اجتماعی و کالبدی اطلاعات مطلوبی به دست می‌دهد که می‌تواند مبنایی برای بررسی مجدد افزایش سرمایه اجتماعی باشد. از اینرو بررسی عوامل موثر بر سرمایه اجتماعی در محلات شهری می‌تواند منجر به معرفی ابزارهایی در شهرسازی شود که با اتکا بر اصول برگرفته از سنت‌های شهرسازی کهن، به پیدایش و تقویت سرمایه اجتماعی در محلات جدید شهری در عصر کنونی بیانجامد.

مورد مطالعه در این تحقیق، محله سلسبیل شمالی (رودکی) است که مبنای انتخاب آن پیشینه اجتماعی منسجم و جایگاه عرفی شناخته شده آن در سطح شهر تهران است. بر اساس مطالعه‌ای که در سال ۱۳۹۰ توسط اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران صورت گرفت تعدادی از محلات شهر تهران که علی‌رغم تغییر و تحولات کالبدی و اجتماعی در دهه‌های اخیر هنوز مفهوم عرفی خود را در ذهن ساکنانش حفظ کرده بودند معرفی شد. محله سلسبیل یکی از این محلات است که علی‌رغم تضعیف ساختارهای کالبدی و پیوندهای اجتماعی، کماکان مفهوم محله را حفظ کرده است.

سؤالات و اهداف پژوهش

مقاله پیش رو در پی پاسخ به دو سوال اساسی است: (۱) مولفه‌ها یا فرآیندهای تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی در مقیاس محلی چیست؟ (چیستی سرمایه اجتماعی) و (۲) چگونه مولفه های کالبدی مکان بر فرآیندهای تولید و باز تولید سرمایه اجتماعی اثر می‌گذارند؟ (چگونگی تولید سرمایه اجتماعی). در رابطه با این دو سوال عمده، «تحلیل زمینه‌مند عوامل کالبدی-فضایی موثر بر ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی در ساختار محله رودکی تهران به منظور بازشناسی ابزارهای کالبدی-فضایی موثر بر توسعه سرمایه اجتماعی» با استفاده از روش نظریه داده بنیاد (گراندد تئوری) به عنوان هدف اصلی

تحقیق تعیین شده است که در قالب دو هدف فرعی قابل صورت‌بندی است: (۱) کشف فرایندها و عناصر موثر بر ایجاد سرمایه اجتماعی در محلات شهری و (۲) فهم تاثیر عوامل کالبدی محیط بر ساختارهای اجتماعی و فرآیندهای تولید و بازتولید سرمایه اجتماعی با تاکید بر زمینه مورد مطالعه (محله رودکی تهران) و با استفاده از روش نظریه داده بنیاد.

پیشینه و ادبیات نظری پژوهش

مولفه های سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه اجتماعی که در این پژوهش در ارتباط با محلات شهری مورد بررسی قرار می گیرد، دارای ابعاد مفهومی و ادبیات گسترده ای می باشد. اصطلاح سرمایه اجتماعی در سال ۱۹۱۶ در مقاله ای توسط «هانیفان»^۱ در دانشگاه ویرجینیای غربی مطرح شد و بعدها در کتاب مرگ و زندگی شهرهای آمریکایی جین جیکوبز^۲ (Jacobs, 1961) مورد اشاره قرار گرفت. هانیفان عنوان نموده است که میان سرمایه اجتماعی و رابطه اجتماعی پیوند درونی وجود دارد و سرمایه اجتماعی درون رابطه اجتماعی نهفته و پنهان است (حبیب، ۱۳۹۱: ۶). به منظور تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی صاحب‌نظران این حوزه از زوایای مختلف سیاسی، جامعه شناسی، مدیریتی و ... اقدام به تعریف و تبیین ابعاد و مؤلفه های این مفهوم کرده اند. در این میان با توجه به هدف پژوهش مولفه ها و ابعاد اجتماعی و جامعه شناختی سرمایه اجتماعی در تعاریف صاحب‌نظران این حوزه دنبال می شود. بعد اجتماعی این مفهوم بیان می دارد که در واقع سرمایه اجتماعی در روابط میان افراد تجسم می یابد و زمانی سرمایه اجتماعی بوجود می آید که روابط میان افراد به شیوه ای دگرگون شود که کنش را تسهیل کند. سرمایه اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنش گر اجازه می دهد تا با استفاده از آن به منابع محلی خود دست یابد. از نظر «بورديو»^۳ (1986)، سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه با دوامی از روابط نهادینه شده بین افراد، و به عبارت ساده تر، عضویت در یک گروه است. «کلمن»^۴ (1988) سرمایه اجتماعی را بخشی از ساختار اجتماعی می داند که به کنش گر اجازه می دهد تا با استفاده از آن به منابع خود دست یابد. «فوکویاما»^۵ (1999) با نگاهی جامعه شناختی سرمایه اجتماعی را مجموعه ای از هنجارهای موجود در سیستم های اجتماعی می داند که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامع گردیده و موجب پایین آمدن هزینه های تبادلات و ارتباطات می گردد. «پاتنام»^۶ (2001) سرمایه اجتماعی را مجموعه ای از پیوستگی های افقی بین مردم می بیند و معتقد است سرمایه اجتماعی از شبکه های اجتماعی (مدنی) و هنجارهای مربوطه تشکیل شده که بر بهره وری محلی تاثیر دارند. افه و فوش^۷ (2002) نیز سرمایه اجتماعی را به عنوان یک منبع با مالکیت جمعی متعلق به محله، جوامع، مناطق و بخش ها تعریف می کنند.

بر مبنای نوع رابطه میان کنشگران سرمایه اجتماعی را می توان به دو نوع سرمایه اجتماعی درون گروهی^۸ (میان اعضای یک گروه قومی)، سرمایه اجتماعی بین گروهی یا ارتباطی^۹ (روابط افقی بین افراد و گروه ها) تقسیم نمود (Naryan 1999:56). علاوه بر تقسیم بندی فوق، سرمایه اجتماعی را در مقیاس شناختی (با خصلت ذهنی مربوط به ارزش ها، باورها) و ساختاری^{۱۰} (ناظر بر ساخت و عملکرد نهادهای رسمی و غیر رسمی محلی و فرا محلی) نیز طبقه بندی

¹ Hanifan

² Jacobs

³ Bourdieu

⁴ Coleman

⁵ Fukuyama

⁶ Putnam

⁷ Offe and Fuchs

⁸ Bonding Social Capital

⁹ Bridging Social Capital

¹⁰ Cognitive

¹¹ Structural

نموده اند. لاک لی (2005) در تعریف سرمایه اجتماعی بیان می‌کند بعد شناختی به روابط متقابل و اعتماد اشاره داشته و اعتماد نیز خود به دو نوع نهادی و اجتماعی تقسیم می‌شود. بعد ساختاری نیز الگوی کلی روابطی را که در سازمان‌ها یافت می‌شود در نظر دارد. بدین معنا که این بعد میزان ارتباطی که افراد با یکدیگر در سازمان جامعه برقرار می‌کنند در بر می‌گیرند. بنابراین می‌توان گفت با توجه به هدف پژوهش که درک ارتباط میان مؤلفه‌های کالبدی-فضایی محلات و سرمایه اجتماعی درون محلات شهری است، سرمایه اجتماعی مد نظر بر اساس نوع رابطه سرمایه اجتماعی بین گروهی و ارتباطی و بر اساس مقیاس در دسته سرمایه اجتماعی ساختاری قرار می‌گیرد.

جدول شماره (۱): تعاریف و شاخص‌های سرمایه اجتماعی در ادبیات جهانی

نظریه پردازان	تعریف	حوزه	ابعاد	شاخص‌های اصلی
بورديو (۱۹۸۵)	منابعی که در دسترسی به خدمات گروه را آسان می‌کند	جامعه شناسی	بعد ساختاری	مشارکت اجتماعی
کلمن (۱۹۸۸)	جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی که کنش‌گران برای رسیدن به منافع شان از آنها به عنوان منبع استفاده می‌کنند	جامعه شناسی	بعد ارتباطی	اعتماد
پوتنام (۲۰۰۲)	اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی که همکاری برای منافع متقابل را تسهیل می‌کند	اقتصاد سیاسی	بعد ساختاری	حمایت اجتماعی مشارکت اجتماعی - نهادهای مدنی
فوکویاما (۲۰۰۰)	اشتراک اعضای گروه در مجموعه‌ای از هنجارها یا ارزش‌های غیر رسمی‌ای که تعاون میان شان مجاز است	جامعه شناسی	بعد ساختاری	مشارکت اجتماعی
افه و فوش (۲۰۰۲)	یک منبع با مالکیت جمعی متعلق به محله، جوامع، مناطق و بخش‌ها	جامعه شناسی	بعد ارتباطی	اعتماد انجمن‌پذیری
لاک لی	سرمایه اجتماعی به طور کلی شامل نهادها، روابط، گرایش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهایی است که بر رفتار افراد و سازمان‌ها حاکم است.	مدیریت	بعد ساختاری	پیوندهای موجود در شبکه، شکل و ترکیب شبکه و تناسب سازمانی
داو روستون (۲۰۰۲)	سرمایه اجتماعی به طور کلی شامل رابطه فرد با محیط، احساس نسبت به محیط زندگی و توانایی کنترل بر محیط زندگی است.	جامعه شناسی	بعد ساختاری	کنترل، خودتوانی خود آیینی (و حساسیت نسبت به ساختارهای محلی) ۱۳

برآیند این تعاریف، سرمایه اجتماعی را مجموعه ارزش‌هایی می‌داند که بواسطه فرآیندهای اجتماعی و روابط میان شبکه‌های اجتماعی (مانند روابط همسایگی، روابط اجتماعی غیررسمی در سطح نهادهای مدنی و اجتماعات محلی و ...) تولید و بازتولید می‌گردد. سرمایه اجتماعی در روابط میان افراد تجسم می‌یابد و زمانی بوجود می‌آید که عوامل محیطی یا اجتماعی روابط میان افراد را به شیوه‌ای دگرگون کنند که کنش‌های اجتماعی تسهیل شوند.

۱۳- در گزارش‌های منتشر شده از تحلیل‌های اجتماعی آمارهای ملی انگلستان توسط داو روستون (Ruston, 2002) در هیجده پیمایش اجتماعی که در سال ۲۰۰۰ جهت سنجش سرمایه اجتماعی صورت گرفت علاوه بر مولفه‌های ذکر شده از مولفه‌های قابل سنجش در محیط کالبدی استفاده شده است. با توجه به موضوع پژوهش دو مولفه‌ی "احساس نسبت به ساختارها یا ویژگی‌های محلی" و "کنترل یا خودتوانی در محیط پیرامون" را می‌توان به مولفه‌های فوق اضافه کرد

روش پژوهش

به منظور معرفی اجزای روش‌شناسی تحقیق از مدل پیاز پژوهش استفاده شده است. مدل پیاز فرآیند پژوهش در سال ۲۰۰۹ توسط ساندرز مطرح شده است. براساس این مدل یک پژوهش از لایه‌های مختلفی تشکیل می‌شود که در آن هر لایه متاثر از لایه بالاتر است.

لایه اول- پارادایم تحقیق: تحقیق پیش رو بر اساس ماهیت موضوع در مگا پارادایم کیفی گرا-ذهنی گرا و زیرپارادایم برساختی-تفسیری (تفسیرگرا) قرار می‌گیرد. رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی، که رویکرد اصلی این تحقیق است، معتقد است با توجه به اینکه واقعیات اجتماعی به مثابه امور برساختی انسان فاقد قوانین از پیش تعیین شده بوده و دائماً در حال شدن هستند، لذا نمی‌توان الگوئی جهان شمول و عام برای واقعیات اجتماعی و نیز تغییر و دستکاری در آن‌ها وضع کرد. این واقعیات می‌توانند کشف، درک و تفسیر شوند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۱۹۳-۱۹۲).

لایه دوم- نوع پژوهش: پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع و هدف پژوهش از نوع تحقیق بنیادی تجربی است زیرا با استفاده از استدلال استقهامی به دنبال درک موضع کنشگران اجتماعی و تدوین یک نظریه از رابطه‌ی عوامل مکانی و سرمایه اجتماعی بر مبنای زیست جهان ساکنان محله رودکی تهران است.

لایه سوم- منطق پژوهش: منطق پژوهش استقهامی است، به این معنا که موضوع از نقطه نظر افراد درگیر، تفسیر و بازنمایی می‌شود (درک موضع کنشگران اجتماعی). منطق استقهام عبارت است از ساخت نظریه‌ای مبتنی بر زبان، معانی، فعالیت‌های روزمره و یا نظریه کنشگران اجتماعی (محمدپور، ۱۳۸۹: ۱۵۸-۱۵۳).

لایه چهارم- روش‌شناسی پژوهش: روش پژوهش کیفی است. پژوهش کیفی توصیف واقعیات‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه افراد است نه از دیدگاه مشاهده کننده، به عبارت دیگر پژوهشگر کیفی به مطالعه رفتارهای قابل مشاهده، انگیزه‌ها، احساسات و هیجان‌های مردمی می‌پردازد، زیرا معتقد است که حوادث درونی تنها در صورتی قابل درک هستند که از طریق تجربه شخصی کسب شده باشند. به همین دلیل روش‌های کیفی متنوع هستند.

لایه پنجم- مکان پژوهش: پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های کتابخانه‌ای و میدانی به شمار می‌رود. ابتدا داده‌های متنی در باره‌ی مؤلفه‌های سرمایه‌اجتماعی و عوامل مکانی که احتمالاً بر این مؤلفه‌ها اثر می‌گذارند برای رسیدن به حساسیت نظری از کتاب‌ها، مقاله‌ها و گزارش‌های علمی- پژوهشی گردآوری شده است. در ادامه برای تکمیل نتایج حاصل از مطالعه‌ی اسنادی و تجزیه و تحلیل این نتایج در زمینه‌ی مورد مطالعه با ورود به میدان مطالعه، داده‌های شفاهی از طریق مصاحبه عمیق و ساخت نیافته در نسبت با مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و عوامل مکانی موثر بر آن گردآوری می‌شوند.

لایه ششم- استراتژی پژوهش: استراتژی پژوهش مبتنی برنظریه داده بنیاد- رهیافت کلاسیک (Classical

Grounded Theory Method) است.

نظریه پردازی داده بنیاد، روشی پژوهشی برای علوم اجتماعی است که توسط دو جامعه‌شناس آمریکایی، گلیسر (Glaser) و استراوس (Strauss) در ۱۹۶۷ میلادی تدوین شده است. نظریه زمینه‌ای یا مبنایی، یک روش تحقیق کیفی است برای ایجاد نظریه‌ای مبتنی بر استقهام درباره پدیده‌ها یا وقایع اجتماعی. از طریق این روش نه تنها مفاهیم و روابط بین آن‌ها ایجاد می‌شود، بلکه آنها به طور موقتی مورد آزمایش نیز قرار می‌گیرند. در حقیقت، نظریه زمینه‌ای آن نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش به صورت منظم گرد آمده و تحلیل شده‌اند؛ در این روش، گردآوری داده‌ها، تحلیل و نظریه نهایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ آن.

هدف عمده رهیافت نظریه زمینه‌ای، کاوش در فرآیندهای اجتماعی و موضوع‌هایی است که ماهیت فرایندی، سیال و در حال شدن دارند (دانایی فرد، امامی، ۱۳۸۶). همانند موضوع این پژوهش بررسی تاثیر عوامل مکانی بر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی_ که دارای ماهیتی فرایندی است.

بر پایه مفاهیم و مبانی نظریه زمینه‌ای، پژوهشگر با مسئله‌ای تحقیقی روبه‌روست که برای پاسخگویی بدان جواب و حدس پیشینی وجود ندارد. بنابراین، روابط بین متغیرها و مؤلفه‌های تحقیق از قبل تعیین نمی‌شود، بلکه بر مبنای مشاهدات و داده‌های گردآوری شده و با توجه به تفاوت‌ها و تشابهات آن‌ها تبیین و از این طریق، مقدمات لازم برای نظریه‌سازی فراهم می‌شود (دانایی فرد، ۱۳۸۶، ۸۷). در واقع، باید این نظریه به کمک داده‌ها زمینه‌دار شود، نه آنکه بر آن‌ها تحمیل شود.

هدف کلی تمام خوانش‌های نظریه زمینه‌ای ساختن نظریه‌ای است که بتواند در خصوص پدیده مورد نظر از طریق گردآوری سیستماتیک اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن‌ها روشنگری نماید. در پژوهش‌های مختلف بر اساس هدف و رویکرد تحقیق یکی از رهیافت‌های گراندتئوری می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. نقطه‌ی تمایز این رهیافت‌ها علاوه بر رویکرد بر نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها است. در پژوهش حاضر بر حسب پارادایم برساختی-تفسیری حاکم بر تحقیق و هدف تحقیق که کشف عوامل مکانی موثر بر تولید و بازتولید سرمایه اجتماعی و فهم فرآیندهای موثر بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی است، خوانش گلیسر از گراندتئوری (رویکرد کلاسیک) مورد استفاده قرار گرفته است.

لایه هفتم- هدف پژوهش: هدف پژوهش اکتشاف مؤلفه‌های کالبدی مکان که بر فرآیندهای تولید سرمایه اجتماعی در جوامع محلی تاثیر گذار هستند و فهم رابطه‌ی این مؤلفه‌های کالبدی با مؤلفه‌های سازنده‌ی سرمایه اجتماعی در محله‌های شهری.

لایه هشتم- شیوه‌های گردآوری داده‌ها: نظام گردآوری داده‌ها در نسبت با موضوع مورد بررسی در مرحله اول طرح تحقیق به شیوه اسنادی است که در حوزه کتابخانه‌ای بوده و بر نظام‌های نوشتاری (متنی مکتوب) اتکا دارد. نوع اطلاعات مورد گردآوری در این سطح، تابعی از موضوع‌های مورد بررسی و اهداف حاکم بر آن خواهد بود. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در مرحله دوم تحقیق، مصحبه عمیق و ساخت نیافته است.

لایه نهم- روش نمونه‌گیری و جامعه آماری: نظریه پردازی داده بنیاد از نمونه برداری هدفمند افراد برای مصاحبه یا مشاهده استفاده می‌کند. در این پژوهش نیز به طور هدفمند و با شیوه نمونه در دسترس با ملاک حداکثر تنوع، نمونه‌ها انتخاب شدند.

لایه دهم- اعتبارسنجی: برای اعتبارسنجی پژوهش از روش ارزیابی لینکولن و گوبا^۱ (۱۹۸۵) که معادل روایی و پایایی در تحقیقات کمی است، استفاده می‌شود. بر پایه‌ی این روش، سه معیار اعتبار (باورپذیری^۲)، انتقال پذیری^۳ و اطمینان پذیری^۴ به شرح زیر جهت ارزیابی در نظر گرفته می‌شود.

الف) اعتبار پذیری (باور پذیری):

اعتبار و مقبولیت، شامل فعالیت‌هایی است که قابلیت باور و پذیرش یافته‌ها را افزایش می‌دهد. باورپذیری با میزان باور داشتن به یافته‌های تحقیق ارتباط دارد. برای افزایش اعتبار پذیری تحقیق موارد زیر را در طی فرآیند پژوهش رعایت کرده‌ایم:

¹ Lincoln and Guba

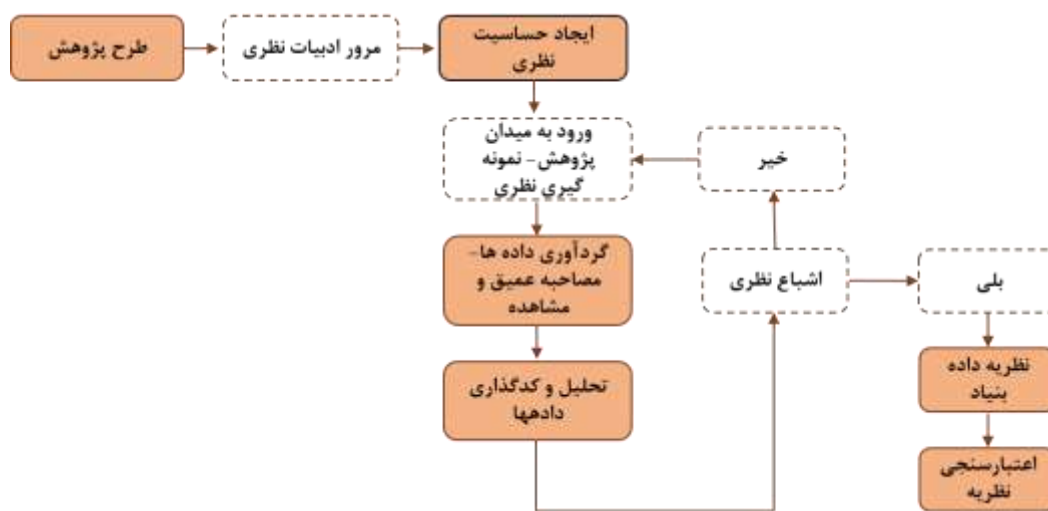
² Credibility

³ Transferability

⁴ Dependability

- صرف زمان کافی برای پژوهش: اولین مورد در ارزیابی اعتبار و مقبولیت پژوهش حاضر که نمایانگر تلاش آگاهانه جهت اطمینان در تفسیر معنی داده‌ها از نظر صحت و درستی است؛ درگیری طولانی مدت محققان با پژوهش است که بیش از شش ماه به طول انجامیده است.
- انتخاب هدف‌مند مشارکت‌کنندگان: مورد دوم در ارزیابی اعتبار پژوهش حاضر انتخاب هدف‌مند مشارکت‌کنندگان است که ساکنان با حداقل ۵ سال سابقه سکونت در محله را شامل می‌شود.
- تایید فرآیند و محتوای پژوهش توسط چند متخصص: سومین مورد برای افزایش اعتبار پذیری پژوهش بازبینی خارجی یا تایید فرآیند پژوهش توسط چند متخصص است.
- (ب) انتقال پذیری: قابلیت انتقال اشاره به این امر دارد که چقدر احتمال دارد یافته‌های حاصل از این مطالعه، در موقعیت‌های مشابه همان معنی را داشته باشد (Streubert & Carpenter, 207). برای تامین معیار انتقال پذیری یافته‌های پژوهش را در پایان به دو صورت اعتبار سنجی کرده‌ایم. اول: کسب نظر و تایید چند پژوهش‌گر کلیدی در حوزه علوم انسانی که در پژوهش مشارکت نداشتند درباره یافته‌های پژوهش. دوم: اشتراک شرح تبیینی تحلیل داده‌ها با مصاحبه شونده‌ها و اخذ تایید آن‌ها.
- (ج) اطمینان پذیری: طبق نظر گوبا (۱۹۸۱) معیار اطمینان پذیری، بیانگر ثبات یافته‌ها در طول زمان است. معادل پایایی در پژوهش‌های کمی (Krefting, 1991). برای افزایش اطمینان‌پذیری در پژوهش، کلیه مراحل و روند تحقیق از ابتدا تا انتها، ثبت و گزارش شده‌اند. علاوه بر این دقت در فرآیند کد گذاری و استفاده از روش کد- بازکد در طول تحلیل داده‌ها بسیار کمک کننده خواهد بود. در این روش بعد از کدگذاری قسمتی از داده‌ها حداقل دو هفته صبر کرده و بعد مجدداً همان فرآیند را تکرار کرده‌ایم و نتیجه‌ی دو کدگذاری را باهم مقایسه و به یک نتیجه‌ی قابل اطمینان رسیدیم.

تصویر شماره (۱) فرآیند انجام پژوهش با رویکرد نظریه داده‌بنیاد



تصویر شماره (۲): موقعیت محله سلسبیل شمالی

معرفی محدوده مورد مطالعه



محدوده محله سلسبیل در ناحیه ۳ منطقه ۱۰ شهرداری تهران، مابین خیابان آزادی از شمال، هاشمی از جنوب، بزرگراه نواب از شرق و خیابان قصرالدشت در غرب می‌باشد. مساحت کل محدوده برابر ۹۷,۳ هکتار و جمعیت آن طبق آخرین سرشماری برابر ۳۶۱۷۸ نفر می‌باشد. در رابطه با ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی محله می‌توان گفت با توجه به محل قرار گیری محله سلسبیل شمالی در منطقه ۱۰ و مجاورت با خیابان‌های اصلی شهر تهران و منطقه دو در شمال محله، این محله از کیفیت کالبدی، اجتماعی و فرهنگی بالاتری نسبت به میانگین کل منطقه قرار دارد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش داده‌های حاصل از مصاحبه با مشارکت کنندگان این پژوهش که شامل ۲۳ نفر از ساکنان محله هستند و داده‌های حاصل از مشاهده به عنوان داده‌های کمکی در چارچوب روش نظریه داده‌بنیاد - رویکرد کلاسیک با انجام مقایسه - های مکرر در جریان فرآیند کدگذاری باز، مفاهیم و مقوله‌ها استخراج شده سپس در جریان کدگذاری انتخابی مقوله‌ها به صورت یک شبکه مرتبط تعریف می‌شوند.

۱) استخراج مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های محیطی در فرآیند کدگذاری باز

نظریه‌ها نمی‌توانند با پیشامدها یا فعالیت‌های واقعی، آن طوری که مشاهده یا گزارش شده و جزو « داده های خام » محسوب می‌شوند، ساخته شوند. پیشامدها، وقایع و اتفاقات، به عنوان نشانه‌های بالقوه پدیده در نظر گرفته شده، یا تحلیل می‌شوند، و بدین سان برجسب مفهومی دریافت می‌کنند. بنابراین مفاهیم، واحدهای پایه‌ای خرد تحلیل هستند زیرا از تصویر ذهنی و مفهوم سازی از داده‌هاست که نظریه شکل می‌گیرد، نه به تنهایی از خود داده‌های واقعی. مفاهیم از طریق فرآیند تطبیق مستمر نشانه‌ها به دست می‌آیند. تطبیق مستمر نشانه‌ها، تحلیل‌گر را با شباهت‌ها، تفاوت‌ها و ثبات معنایی که منجر به ساخت یک مفهوم (یا مقوله) می‌شود، مواجه می‌کند. مقوله‌ها آدر مقایسه با مفاهیم، انتزاعی تر بوده و سطحی بالاتر را نشان می‌دهند. آن‌ها از طریق همان فرآیند تحلیلی انجام مقایسات برای برجسته سازی شباهت‌ها و تفاوت‌ها، که در سطح پایین‌تر برای تولید مفاهیم استفاده شد، تولید می‌شوند. مقوله‌ها شالوده‌های ساختن نظریه هستند. آن‌ها ابزاری فراهم می‌کنند که به وسیله آن نظریه می‌تواند یکپارچه شود.

در فرآیند تبدیل متن به مقوله‌ها بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته با ۲۳ نفر از اهالی محله رودکی، مؤلفه‌های "مشارکت"، "آگاهی"، "نهادهای مدنی"، "اعتماد"، "حمایت اجتماعی"، "حساسیت نسبت به ساختارهای محلی" و "کنترل، خودتوانی و خودآئینی" به عنوان مؤلفه‌های اصلی بیانگر سرمایه اجتماعی در مقیاس محله مشخص شده‌اند.

¹ conceptual labels

² categories

۲) مؤلفه های سرمایه اجتماعی بر اساس کدگذاری مصاحبه‌ها

• مشارکت

مقصود از مولفه مشارکت آن است که افراد جامعه تا چه اندازه در انواع گروه‌های مذهبی، انجمن‌ها تعاونی‌ها و . . . فعالیت می‌کنند؛ تعدد و گستردگی سازمان‌های محلی و غیر دولتی در یک جامعه، شاخص و بیانگر وجود مشارکت اجتماعی در آن جامعه است. در مقیاس محلی و در محله رودکی عواملی چون واکنش نشان دادن نسبت به مسائل محلی، عضویت در کانون‌ها و گروه‌ها، تمایل به مشارکت مالی و مشارکت در طرح‌های مربوط به حوزه کاری برچسب‌های مفهومی بیانگر مولفه‌ی مشارکت به عنوان یکی از پیش‌شرط‌های تحقق سرمایه اجتماعی می‌باشند.

• آگاهی

آگاهی و توجه، شامل مجموعه افکار و عقاید و حساسیت نسبت به زندگی اجتماعی و سیاسی و توجه به هر چیزی که در سریع‌ترین معنا مربوط به "امور عمومی" می‌باشد. آگاهی و توجه پیش شرط شناختی مسئولیت مدنی است (افه و فوش، ۲۰۰۲: ۱۹۱-۱۹۰). در محله رودکی مفاهیمی چون آشنایی با همسایگان و اهالی محله، سابقه سکونت، آشنایی با نهادهای رسمی و غیر رسمی فعال در محله و آشنایی با محیط به عنوان نشانگرهای وجود آگاهی به عنوان یکی از پیش-شرط‌های سرمایه اجتماعی شناخته می‌شوند.

• نهادهای مدنی

به مجموعه تشکّل‌ها و اجتماعات موجود در جامعه که در حدّ فاصل میان توده شهروندان و حکومت قرار گرفته اند، نهادهای مدنی گفته می‌شود (ازکیا، غفاری ۱۳۸۳: ۲۹۱). نهادهای مدنی معمولاً در ارتباط متقابل با هنجارهای عمومی قرار دارند به نحوی که روابط نزدیک، اوضاع را جهت همکاری و مشارکت و تعاون بین اعضا، بهبود می‌بخشد. بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته با اهالی محله رودکی مفاهیمی چون آشنایی با فعالیت نهادهای غیررسمی و تمایل به مشارکت در شبکه‌های غیر رسمی یا انجمن‌های رسمی را می‌توان نشانگرهای مقوله‌ی نهادهای مدنی به عنوان یکی از مؤلفه های سرمایه اجتماعی به حساب آورد.

• اعتماد

محور اصلی سرمایه اجتماعی پاسخ به این سوال است که آیا شما نسبت به افراد و محیط اعتماد دارید؟ این افراد ممکن است همسایه، همکاران، فروشندگان، مسئولین محلی و خلاصه همه کسانی باشند که در زندگی روزمره با آنها در ارتباط هستید. مولفه اعتماد در محله رودکی شامل برچسب‌های مفهومی چوم نبود ترس و شک نسبت به رفتار احتمالی دیگران، محیط و مدیریت محلی می‌شود.

• حمایت اجتماعی

مفهوم حمایت اجتماعی را می‌توان معادل تعهدات و انتظارات در یک ساختار اجتماعی دانست. هر چقدر میزان تعهدات پرداخت نشده در یک ساختار اجتماعی خاصی بیشتر باشد می‌توان گفت سرمایه اجتماعی بیشتری وجود دارد. به بیان ساده تر می‌توان گفت حمایت اجتماعی مانند نوعی بیمه یا برگه‌ی اعتباری در مواقعی که فرد نیاز به کمک دارد عمل می‌کند. بر اساس داده‌های به دست آمده در محله رودکی مفاهیمی چون دسترسی به منابع مالی و خدماتی در سختی‌ها و دشواری‌ها،

انجام یا دریافت حمایت عملی در محله و دسترسی به عضویت در شبکه‌های غیررسمی نشانگرهای مقوله‌ی حمایت اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هستند.

• حساسیت نسبت به ساختارهای محلی

شاخص‌های این مولفه مربوط به احساس و حساسیت مردم نسبت به محله و محیط زندگی آن‌ها می‌باشد. رضایت یا عدم رضایت مردم از محیط پیرامون تاثیر بسزایی بر تقویت یا تضعیف حس تعلق به مکان دارد. بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته در محله رودکی مفاهیمی چون رضایت از محل سکونت، وجود تصویر ذهنی مثبت نسبت به محله، سهولت دسترسی به مراکز و خدمات شهری، دسترسی به خدمات محلی، کمبود خدمات شهری و میزان شلوغی محله بیانگر حساسیت ساکنین نسبت به ساختارهای محلی است.

• کنترل، خودتوانی، خودآئینی

مقوله‌ی کنترل و خودتوانی بر احساس تسلط و کنترل فرد بر محیط و حوادث پیرامون دلالت دارد. بدیهی است هرچه اعضای یک جامعه بیشتر احساس موثر بودن در شرایط پیرامونی را داشته باشند حس تعلق به مکان و از این ره سرمایه اجتماعی موجود در مکان افزایش می‌یابد. در محله رودکی مفاهیمی چون احساس کنترل یا عدم کنترل بر امور محلی و احساس نفوذ بر تصمیمات محلی نشانگرهای این مقوله به عنوان یکی از ارکان سرمایه اجتماعی در مقیاس محلی است.

۳) مؤلفه‌های مکانی موثر بر ارتقای سرمایه اجتماعی بر اساس کدگذاری مصاحبه‌ها

• مراکز عمده فعالیت

وجود کارکردهای متنوع که تعاملی میان آن‌ها و ساکنان در ساعات مختلف شبانه اتفاق می‌فتند، از یک سو سرزندگی را در سطح محله ایجاد خواهد کرد و از سوی دیگر، باعث افزایش میزان کنترل غیررسمی خواهد شد. بر اساس داده‌های به دست آمده از مصاحبه با ساکنان محله رودکی می‌توان به این نتیجه رسید که دسترسی ساکنان به حمل و نقل عمومی، تسهیلات فرهنگی (سرگرمی و کتابخانه) و تسهیلات فراغتی (پارک و تسهیلات ورزشی) با احساس رضایت ساکنان از محله و تمایل آن‌ها برای حضور در سطح محله ارتباط مستقیم دارند.

• فضاهای عمومی

شرط اساسی فضاهای عمومی این است که در آن‌ها تعامل و مراوده اجتماعی صورت گیرد. همچنین فضای شهری تنها یک مفهوم کالبدی نیست، بلکه اندرکنش «تعاملات شهروندی» و «فعالیت‌های شهری» را در بر می‌گیرد، یعنی کالبدی از شهر را مجسم می‌کند که مکان برقراری فعالیت‌های شهری یا عرصه بروز تعاملات اجتماعی است. طبق این تعریف در محله رودکی فضایی مدون و مشخص تحت عنوان فضای عمومی قابل مشاهده نیست، بلکه تعامل و کنش متقابل میان شهروندان و فعالیت‌های شهری در فضای فعال خیابان‌هایی چون، رودکی و آذربایجان و در ارتباط با کاربری‌های مذهبی اتفاق می‌افتد. مساجد و سایر اماکن مذهبی نیز تنها برای اعیاد و مراسم مذهبی به تجمع اهالی قدیمی محل کمک می‌کنند. بر این اساس در محله رودکی پاتوق‌های محلی، معدود گشایش‌های فضایی در معابر و فعالیت‌های جمعی خاطره ساز نشانگرهای نقش برجسته‌ی فضاهای عمومی در تولید و بازتولید سرمایه اجتماعی است.

• محورهای حرکت پیاده

توجه به طراحی محله در مقیاس پیاده و با رویکرد پیاده محور به گونه‌ای که ساکنان را به پیاده روی تشویق کند، نه تنها می‌تواند آرامش را به محله و ساکنانش بازگرداند، بلکه عدم قرارگیری خودروها در اولویت برای طرح ریزی راه‌ها و گذرها، ایمنی را برای ساکنان به ارمغان خواهد آورد و زمینه حضور ساکنان و به ویژه کودکان را در نقاط مختلف محله فراهم خواهد شد.

با توجه به شکل‌گیری بطئی و تدریجی محله در طول زمان که هسته اولیه آن به ساخت و سازهای دهه ۳۰ و ۴۰ باز می‌گردد، نه تنها فضای برنامه‌ریزی شده‌ای برای حرکت پیاده وجود ندارد بلکه عرض پیاده‌روها در تمامی معابر و تعداد و نحوه‌ی طراحی تقاطع‌ها نشان دهنده‌ی غلبه‌ی حرکت سواره بر پیاده است. با این حال، وجود محورهای فعال تجاری مانند خیابان‌های رودکی، آذربایجان و دامپزشکی باعث حضور فعال و حرکت عابر پیاده در امتداد این محورها شده است. مفاهیمی چون فرصت برقراری ارتباط رو در رو، ایمنی حرکت پیاده و نوع و مقیاس فعالیت‌های جداره اهمیت پیاده محوری در محله را در راستای تحقق سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد.

• ویژگی و عملکرد معابر

اپل‌یارد معتقد است تصمیم‌گیری‌ها در حوزه حمل و نقل عمومی و برنامه‌ریزی کاربری زمین، به گونه‌های مختلف بر ایجاد همبستگی اجتماعی و در نتیجه آن، سرمایه اجتماعی تأثیرگذار هستند. احتمال شناخت و برقراری ارتباط میان همسایه‌ها در ساکنان خیابان‌های با حجم عبوری کم، کوچه‌های بن بست و همسایه‌های ثابت بیشتر از سایر خیابان‌ها و محله‌ها است (Litman, 2010). در این میان، هندسه راه‌ها و شبکه‌های ارتباطی نیز در طراحی محله، می‌تواند به درک محیط و ایجاد خوانایی برای ساکنان و دیگران کمک نماید. مفاهیمی چون وجود فعالیت‌های تجاری و خرد مقیاس در جداره معابر و عرض کم گذرگاه‌ها با تاثیر بر وقوع تعاملات اجتماعی احتمالی بر ایجاد سرمایه اجتماعی در محله تاثیر گذارند.

۴) کد گذاری انتخابی و خلق نظریه

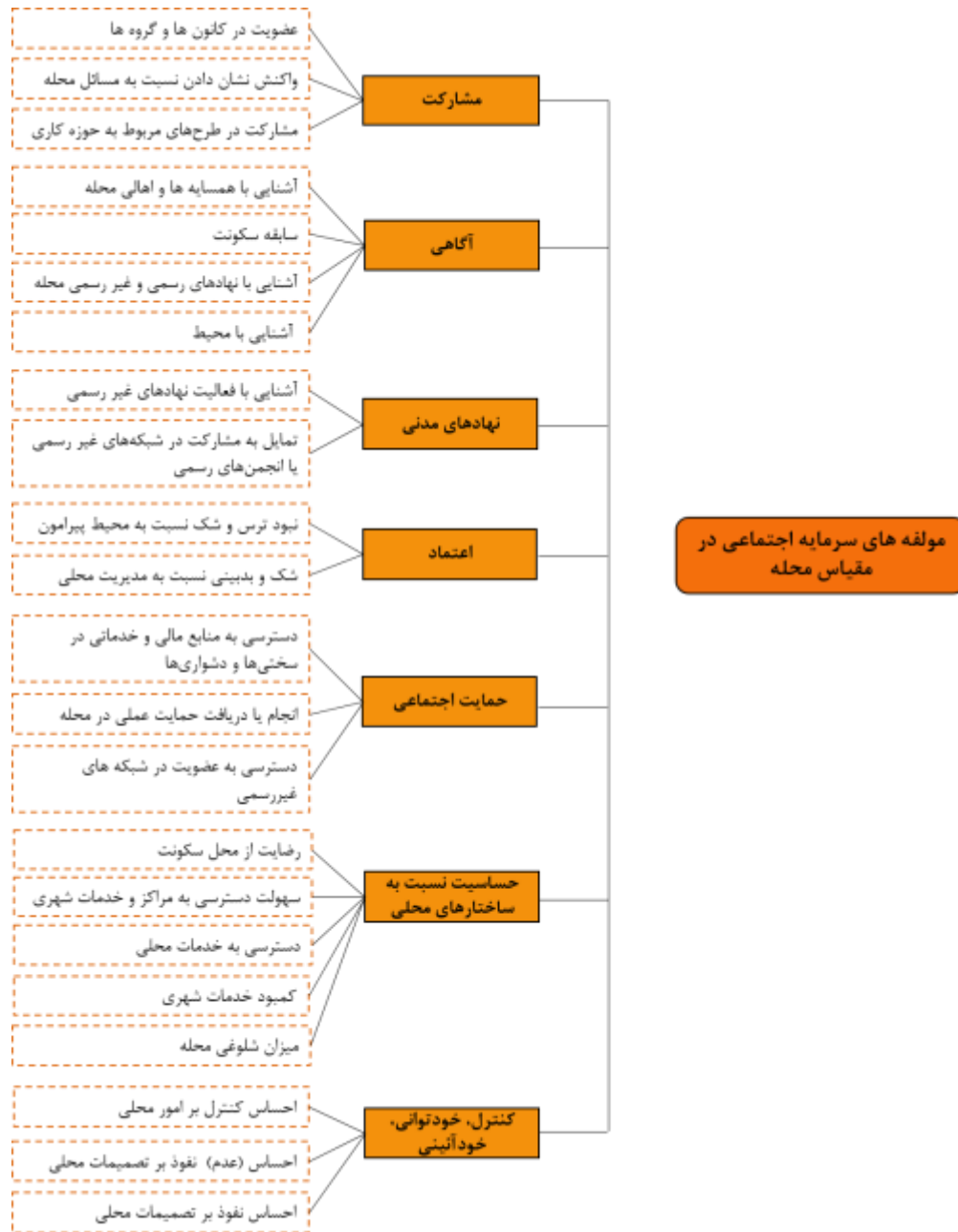
در این مرحله محقق با تعداد اندکی از مقوله‌های انتزاعی به دست آمده از مرحله‌ی کد گذاری انتخابی به تدوین نظریه می‌پردازد. مقوله‌های مورد استفاده به لحاظ نظری اشباع شده‌اند و هرکدام بر اساس مفاهیم کدبندی شده مراحل قبل به صورت منطقی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و شرحی انتزاعی برای فرآیندی که در پژوهش مطالعه می‌شود، ارائه می‌دهند. فرآیند یکپارچه سازی و بهبودبخشی نظریه در کدگذاری انتخابی از طریق یک الگوی کدگذاری بصری^۲ ارائه می‌شود. در این مرحله، مقوله‌ها به صورت یک شبکه در ارتباط با هم قرار می‌گیرند و ارتباط منطقی بین مقوله‌ها در پاسخ به سوال تحقیق به نگارش در می‌آید.

در راستای پاسخ به پرسش اول پژوهش «مؤلفه‌های تاثیرگذار بر سرمایه اجتماعی در مقیاس محلی چیست؟» می‌توان مدل نظری زیر را (شکل شماره ۲) ارائه داد. بر اساس این الگوی کدگذاری بصری مؤلفه‌های مشارکت، آگاهی، نهاد‌های مدنی، اعتماد، حمایت اجتماعی، حساسیت نسبت به ساختارهای محلی و کنترل و خودتوانی در محله رودکی به عنوان مؤلفه‌های سازنده‌ی سرمایه اجتماعی در مقیاس محلی شناسایی شده‌اند. هر یک از این مؤلفه‌ها به تنهایی و در ارتباط با یکدیگر به واسطه‌ی نقشی که در ایجاد و تقویت شبکه‌های هم‌پیوند کنشگران دارند سبب تولید و بازتولید سرمایه اجتماعی در محله می‌شوند.

^۱Appleyard

^۲ a visual coding paradigm

تصویر شماره (۳): مؤلفه‌های تاثیرگذار بر سرمایه اجتماعی در مقیاس محله براساس روش داده بنیاد (گراندد تئوری)

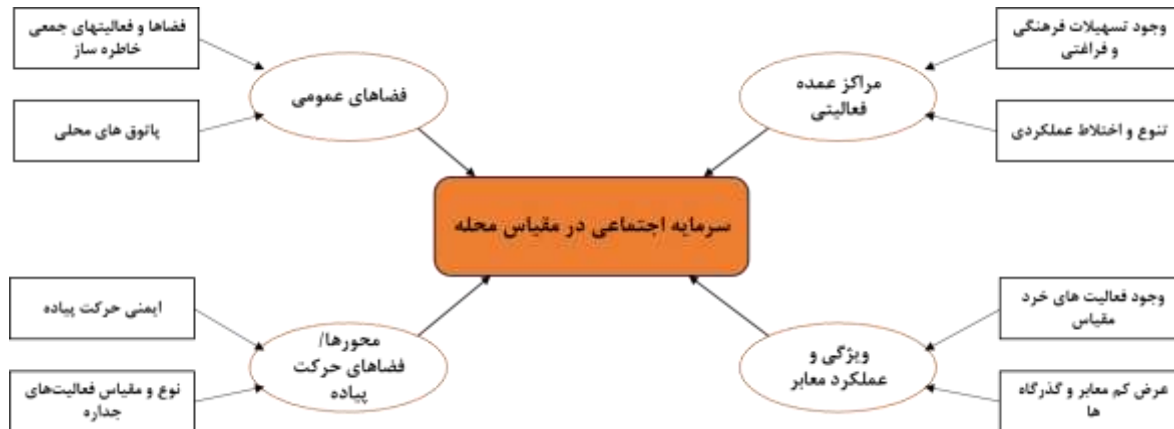


تحلیل و کدگذاری مصاحبه‌های انجام شده علاوه بر پاسخ به سوال «چیزیستی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در مقیاس محلی» به سوال اصلی تحقیق که به دنبال «بررسی چگونگی تاثیر گذاری مؤلفه‌های کالبدی مکان بر تولید و بازتولید سرمایه اجتماعی در جوامع محلی» است، نیز پاسخ می‌دهد.

چگونگی تاثیر گذاری مؤلفه‌های کالبدی مکان بر تولید و بازتولید سرمایه اجتماعی در جوامع محلی از طریق یک الگوی کدگذاری بصری (تصویر شماره (۴)) ارائه شده است. در واقع می‌توان گفت سرمایه کالبدی در حال بهبود، به طور

ضمنی و احتمال‌گرایانه، ارتقا سرمایه اجتماعی را موجب می‌گردد. به منظور تولید سرمایه اجتماعی با تکیه بر سرمایه کالبدی می‌توان به آن گونه برنامه ریزی اشاره کرد که کنش‌های متقابل اجتماعی را تسهیل کند و با باززنده سازی محلات شهری، باعث تقویت سرمایه اجتماعی شود.

تصویر شماره (۴): مؤلفه‌های مکانی موثر بر تولید و بازتولید سرمایه اجتماعی در مقیاس محله براساس روش داده بنیاد (گراند تئوری)



در ارتباط بین سرمایه اجتماعی و ویژگی‌های مکانی محله‌ها، به نظر می‌رسد در میان بسیاری از نویسندگان این اتفاق نظر وجود دارد که محیط ساخته شده نقش مهمی در این عنصر از پایداری جامعه دارد. پیوند مستحکمی بین مکان و تعامل اجتماعی وجود دارد که حتی در عصر مدرن و ارتباطات از راه دور نیز شبکه‌های اجتماعی تا حد زیادی تعبیه شده در مکان‌ها جایگذاری شده‌اند و شکل این مکان‌ها می‌تواند در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی تاثیرگذار باشد. این حقیقت که میزان اعتماد میان افراد متناسب با ویژگی‌های زمینه بوده و در هر محدوده‌ای متفاوت است، اهمیت طراحی و برنامه ریزی شهری محدوده و اثرات مثبت آن در کمک به ایجاد سرمایه اجتماعی را روشن می‌سازد.

بررسی این مهم در محله رودکی تهران بیانگر این امر بوده است که از میان ویژگی‌های مکانی محله، عواملی چون مراکز عمده فعالیتی، فضاهای عمومی، محورها یا فضاهای حرکت پیاده و ویژگی و عملکرد معابر مهم‌ترین عوامل مکانی موثر بر سرمایه اجتماعی در سطح محله است.

نتیجه‌گیری

مؤلفه‌های کالبدی- فضایی یک محله شهری نمی‌تواند جدا از سایر سیستم‌های اجتماعی موجودیت یابد. به گونه‌ای که ساختار اصلی هر پیکره‌ی شهری، هسته‌ی اولیه و اصلی در چگونگی وقوع رخداد‌های اجتماعی و فرهنگی است. به عبارت دیگر می‌توان بیان نمود که مؤلفه‌های کالبدی- فضایی می‌تواند تسهیل کننده یا تضعیف کننده‌ی روابط اجتماعی در شهر باشد. درست در همین جا تاثیر ارکان مکانی در شکل‌گیری یا تضعیف سرمایه اجتماعی تبلور می‌یابد، چرا که در شناخت و تحلیل ساختار فضایی شهرهای پایدار به لحاظ اجتماعی توجه به قابلیت حضور و ارتباط مردم دارای اهمیت فراوان است. در محله‌ای که فرصت جهت حضور موثر ساکنان در بخش‌های مختلف آن وجود دارد، می‌توان انتظار داشت که ساکنان کنش‌های جمعی و برخورداردهای اجتماعی مؤثرتری داشته باشند به شکلی که مفهوم شکل‌گیری تعاملات اجتماعی را معنا

بخشند. این مسأله مستلزم آن است تا نیازهای امروز ساکنان اعم از نیازهای فیزیکی که شکل دهنده فضاها و کارکردهای مختلف آن است و همچنین نیازهای روحی و روانی آن‌ها که تأمین کننده کیفیت روابط اجتماعی می‌باشند در ساخت کالبدی محله نمود پیدا کند. در واقع با توجه به تعریف بوردیو از سرمایه‌ی اجتماعی که حجم قابل تملک آن را وابسته به اندازه و گستردگی شبکه‌ی ارتباط میان افراد می‌داند، یا تعریف فوکویاما که سرمایه‌ی اجتماعی را یک منبع با مالکیت جمعی متعلق به محله معرفی می‌کند تنها در صورتی که ساختار فضایی-کالبدی محلات با تأمین تیاذهای فیزیکی و روحی ساکنین بستر ساز و تسهیل کننده‌ی کنش‌های اجتماعی باشد، میتوان شاهد ایجاد و ابقای مجدد سرمایه‌ی اجتماعی در محلات شهری بود.

با توجه به تجربه‌ی صورت گرفته در محله رودکی وجود فضاهای عمومی، مراکز عمده فعالیت، محورها و فضاهای مخصوص پیاده و توجه به ویژگی و نقش معابر را می‌توان به عنوان تاثیرگذارترین ابزارهای کالبدی معرفی کرد که با کمک به برقراری شکل مطلوبی از تعاملات اجتماعی و کنش متقابل میان ساکنان، به ایجاد و ارتقای سرمایه اجتماعی کمک می‌کنند.

منابع و ماخذ

- حبیب، فرح و دیگران (۱۳۹۱). سنجش چارچوب ارزیابی سرمایه اجتماعی در ساختار شهر با تاکید بر نقش فضاهای عمومی، مجله هویت شهر، سال ششم، شماره دوازدهم، زمستان.
- خاکی، غلامرضا، روش تحقیق گراندیدی با رویکرد پایان‌نامه نویسی، فوژان. تهران.
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی؛ آذر، عادل (۱۳۸۷)، روش شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع. اشرافی، تهران.
- دانایی فرد، حسن؛ امامی، مجتبی (۱۳۸۶): استراتژیهای پژوهش: کیفی تأملی بر نظریه پردازی داده‌بنیاد. اندیشه مدیریت، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، صص ۶۹-۹۷.
- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۳). سرمایه اجتماعی: مفاهیم اصلی و چارچوب نظری، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال اول، شماره دوم.
- عارفی، مهیار (۱۳۸۰). "به سوی رویکرد دارایی مبنا برای توسعه اجتماع محلی"، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۰.
- فوکویاما، فرانسیس (۲۰۰۰). پایان نظم (سرمایه اجتماعی و حفظ آن)، ترجمه توسلی، غلامعباس، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
- کلن، جیمز، (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران.
- معصومی، سلمان (۱۳۹۰). توسعه محله‌ای در راستای پایداری کلانشهر تهران، انتشارات جامعه و فرهنگ.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۸۶). مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه های سرمایه اجتماعی، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۷۲.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش در روش، درباره ساخت معرفت در علوم انسانی. جامعه شناسان، تهران.
- مقصود، فراستخواه، روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تاکید بر نظریه‌ی برپایه (گراند تئوری GTM)، آگاه، تهران.

Andreas M. Riege (2003), Validity and reliability tests in case study research: a literature review with "hands-on applications for each research phase, Qualitative Market Research: An International Journal, Volume 6, Number 2 pp. 75-86, Griffith University, Nathan, Australia.

Litman, Todd (2010). Community cohesion as a transport planning objective. Victoria Transport Policy Institute.

Putnam, R. D. (2003). The prosperous community: social capital and public life. The American prospect, (13).

Bourdieu, Pierre (2011). "The forms of capital" Cultural theory: An anthology 1, pp. 81-93.

Lee, Laurence Lock (2005). "Social capital: The driver for corporate success in the knowledge era." Knowledge Management. Physica-Verlag HD, pp. 129-143.

Kay, Alan (2005). "Social capital, the social economy and community development." Community Development Journal 41.2, pp. 160-173.

Fukuyama, Francis (1999). "Social capital and civil society." IMF conference on Second Generation reforms. Vol. 1.

Coleman, James S (1988). "Social capital in the creation of human capital." American journal of sociology 94, pp. 95-110.

Putnam, Robert (2001). "Social capital: Measurement and consequences." Canadian Journal of Policy Research 2.1, pp. 41-51.

Ruston, Dave, and Lola Akinrodoye (2002). "Social Capital Question Bank June 2002." Questions from Social Capital surveys included in the Social Capital Survey Matrix 2002. Social Analysis and Reporting Division. National Statistics.

Offe, Claus and Fuchs, Susanne (2002), a decline of Social Capital? The German Case, Published in Putnam, Robert D, (2002). Democracy in Flux: The Evolution of Social Capital in Contemporary Society. New York: Oxford University Press.

Wallis, Allan, Jarle P. Crocker, and Bill Schechter (1998). "Social capital and community building: Part one." National Civic Review 87.3, pp. 253-272.

AREFI, M (1999). "Jump starting Main Street: a case study of the Los Angeles Neighbourhood Initiative"(unpublished PhD thesis)." Los Angeles, University of Southern California.

Goldsmith, William, and Edward Blakely (1992). Separate societies: Poverty and inequality in US cities. Temple University Press.

Ostrom, Elinor (1997). "Investing in capital, institutions and incentives." Institutions and economic development: Growth and governance in less-developed and post-socialist countries, p. 153.

Bothwell, Stephanie E., Raymond Gindroz, and Robert E. Lang (1997). "Restoring community through traditional neighborhood design: a case study of Diggs Town public housing." Housing Policy Debate 9.1, pp. 89-114.

Leyden, Kevin M (2003). "Social capital and the built environment: the importance of walkable neighborhoods." American journal of public health 93.9, pp. 1546-1551.